

:

( )

\*

\*\*

\*\*\*

// :

// :

### چکیده

اگر در ۱۵۰ سال پیش دولت، کلاسیک مطلوب‌ترین دولت‌ها نزد اقتصاد دانان بوده است به دلیل مشخص شدن بیشتر ضعف‌های بازار و مطرح شدن شکست بازار در حوزه جدیدی مثل توزیع درآمد و تأمین اجتماعی، امروزه، مطلوب‌ترین دولت از نظر اقتصاددانان دولت رفاه است. فرض و اصل اساسی در مورد دولت رفاه این است که حکومت، مسئولیت آسایش اتباعش را بر عهده دارد.

روش تحقیق این مطالعه توصیفی بر روش علی و معلولی مبتنی است، و سعی شده است نقش ترکیب بودجه دولت بر رفاه اجتماعی بررسی شود. در راستای این امر برای تحلیل اثر ترکیب بودجه دولت بر رفاه اجتماعی در اقتصاد ایران طی دوره ۱۳۶۰-۱۳۸۲ از مدل‌های اقتصادسنجی استفاده شده است.

مهم‌ترین نتایج حاکی از این است که مخارج موزون دولت بر رفاه اجتماعی اثر مثبت داشته، ولی نکته‌ای که باید به آن توجه کرد ترکیب مخارج موزون دولت است که از هزینه‌های بهزیستی، آموزش و بهداشت تشکیل شده که هزینه‌های آموزشی دولت دارای

\*دانشیار گروه اقتصاد دانشگاه اصفهان (sameti@ase.ui.ac.ir)

\*\*استادیار گروه اقتصاد دانشگاه اصفهان (p-sameti@Hot mail.com)

\*\*\*کارشناس ارشد علوم اقتصادی (tr-ghazari@yahoo.com)

بیشترین وزن در مخارج دولت است و مخارج بهداشتی و بهزیستی دولت به ترتیب، اولویت‌های بعدی دارد. درآمدهای نفتی دولت در بودجه بر رفاه اجتماعی اثر مثبت دارد. ضریب هزینه‌های نظامی دولت بر رفاه اجتماعی علامت مثبت دارد ولی چون ضریب آماری مخارج نظامی دولت معنی‌دار نیست به نظر می‌رسد که هزینه‌های نظامی دولت بر رفاه اجتماعی تأثیری ندارد.

طبقه بندی JEL: I38, I31, I28, D6

**واژه‌های کلیدی:** شاخص توسعه انسانی، رفاه اجتماعی، دولت رفاه، هزینه‌های موزون دولت

### مقدمه

رفاه اجتماعی از مهم‌ترین مقولات اقتصادی است که در متون اقتصادی تبیین و بررسی آن مورد توجه قرار گرفته است. تأمین رفاه فرد و اجتماع از سوی دولت از دیرباز میان متفکران و جوامع گوناگون مورد بحث بوده است. رفاه اجتماعی، دامنه وسیعی از فعالیت‌ها و برنامه‌هایی را دربرمی‌گیرد که تحت نظارت و با کمک دولت برای بهزیستی افراد و جامعه انجام می‌شود، امروزه برنامه‌های رفاه اجتماعی فقط به حوزه خاصی مثل بهداشت یا بیمه محدود نمی‌شود، بلکه این برنامه، مجموعه واحدی از فعالیت‌ها را در حوزه‌های اقتصادی، اجتماعی، بهداشتی، فرهنگی و حقوقی شامل می‌شود. تجربه کشورهای فقیر و غنی در زمینه اهمیت دولت و رفاه اجتماعی قابل تأمل است. تمامی مشکلات با دستیابی به نرخ‌های رشد زیاد حل نمی‌شود. چنانچه در فرآیند اقتصادی کشور تأکید سیاستگذاران و برنامه‌ریزان، صرفاً دستیابی به رشد بیشتر باشد، ضرورتاً توانمندی‌های بخشی مورد توجه قرار خواهد گرفت و لذا دولت‌ها علاوه بر رشد باید توسعه اقتصادی و اجتماعی را نیز مد نظر قرار دهند که نتیجه آن افزایش شاخص‌های رفاه اجتماعی است. در زمینه رفاه اجتماعی و ارتباط آن با بودجه دولت باید گفت که تغییرات رفاه به بودجه دولت‌ها وابستگی خاصی دارد.

معمولاً یکی از معرف‌های میزان پیشرفت کشورها را شاخص‌های مربوط به رفاه اجتماعی تشکیل می‌دهد؛ یعنی کشورهای مختلف جهان برای بیان میزان پیشرفت خود از

شاخص‌های مربوط به رفاه اجتماعی استفاده می‌کنند و سرانجام چنین تلقی می‌شود که هر اندازه سرمایه‌گذاری‌ها و بودجه سالیانه دولت صرف برنامه‌های بنیادی رفاه اجتماعی شود به همان میزان می‌توان ادعای پیشرفت و ترقی کرد.

برای اندازه‌گیری رفاه اجتماعی شاخص‌هایی وجود دارد که می‌توان از آن برای ایران نیز سود جست. این شاخص‌ها عبارت است از:

۱- شاخص توسعه انسانی

۲- شاخص فقر انسانی

در این مطالعه سعی می‌شود اثر ترکیب بودجه دولت بر رفاه اجتماعی ایران از طریق شاخص توسعه انسانی بررسی قرار گیرد.

#### ۱- ادبیات موضوع

شاید بتوان گفت افلاطون از نخستین متفکرانی است که درباره دخالت هیأت یا فرد حاکم اظهار عقیده کرده است. از دیدگاه وی، وظیفه خاص این هیأت یا فرد، تشخیص منافع کلی همگان و انتخاب بهترین راه برای تأمین منافع مذکور است. (طاهری، ۱۳۷۹: ۴۲)

کار ویژه اصلی و اولیه یا حداقل دولت، تأمین امنیت مردم در برابر خطرهای داخلی و خارجی و نهادینه کردن امنیت جمعی بوده است (بشیریه، ۱۳۸۱: ۸۰). به صورت تاریخی، نخستین منبع رفاه فرد، خانواده بوده است. حتی امروزه نیز اقتصاد خانواده اهمیت دارد. دولت نیز به طور غیرمستقیم از طریق تأمین دفاع ملی و حفظ قانون و نظم و با پرداختن به برخی از امور اجتماعی مانند خدمات آموزشی و مراقبت‌های بهداشتی، پرداخت یارانه‌ها و تخفیف‌ها یا معافیت‌های مالیاتی برای تأمین رفاه فرد به ایفای نقش می‌پردازد.

دولت به عنوان تأمین‌کننده جامع رفاه عمومی، فراهم‌کننده رفاه در درجه اول قلمداد می‌شود. دولت‌ها چند نقش یا وظیفه در امور اقتصادی دارند که کم و بیش نسبت به بقیه وظایف و نقش‌های آنها اهمیت بیشتری دارد. اینها در واقع از اهداف سیاست‌گذاری بخش عمومی نیز به شمار می‌رود. این نقش‌ها تحت عناوین «تخصیصی»<sup>۱</sup>، «توزیعی»<sup>۱</sup>، «تثبیتی»<sup>۲</sup> و

<sup>۱</sup>-Allocation

« قانونی<sup>۳</sup> در ادبیات مالیه عمومی مطرح است. فرایندی که طی آن، چگونگی استفاده از تمام منابع و امکانات برای تولید کالاها و خدمات عمومی تعیین می‌شود، تخصیص نام دارد. تعدیل‌هایی که در وضع درآمدها و ثروت‌ها صورت می‌گیرد تا جامعه به وضعیتی دست یابد که توزیع نهایی، عادلانه و یا منصفانه شود، تحت عنوان نقش توزیعی دولت بررسی می‌گردد. مجموعه خط‌مشی‌هایی که به منظور حصول به وضع پایداری در قسمت‌ها، رشد مطلوب در تولیدات و اشتغال و وجود تناسبی معتدل در تراز پرداخت‌ها اعمال می‌گردد در قالب وظیفه و یا نقش تثبیتی مطرح می‌شود. سرانجام تدابیر مربوط به تدوین و حفظ مقررات اقتصادی، وظیفه قانونی حکومت را نشان می‌دهد. (دادگر کرماجانی، ۱۳۷۸: ۴-۵)

برقراری تناسب صحیح بین نقش و ظرفیت‌ها و توانایی‌های دولت برای بهبود بخشیدن به کالای دولت حیاتی است.

موضوع برقراری تناسب میان نقش دولت با توانایی‌هایش، تنها شامل تعیین موارد دخالت دولت نیست، بلکه چگونگی و حسن اجرای امور را نیز دربرمی‌گیرد. دولت در تضمین ارائه خدمات اساسی (نظیر آموزش و پرورش، بهداشت و زیرساخت‌ها) نقش مهمی دارد.

کشور ما نیز از این قاعده مستثنی نیست. برنامه‌های رفاه اجتماعی از تکالیف و مسئولیت‌های مستقیم و غیرمستقیم دولت تلقی می‌شود تا بدین وسیله زمینه تحقق عدالت اجتماعی در جامعه فراهم شود.

چون در این مطالعه سعی شده است اثر ترکیب بودجه دولت بر رفاه اجتماعی ایران از طریق شاخص توسعه انسانی مورد بررسی قرار گیرد، ابتدا به بررسی شاخص توسعه انسانی پرداخته می‌شود.

<sup>1</sup> Distributive

<sup>2</sup>-Adjusted

<sup>3</sup>-Legal

### ۱-۱- شاخص توسعه انسانی

شاخص توسعه انسانی به عنوان محور اصلی گزارش‌های توسعه انسانی با هدف افزایش دامنه قدرت انتخاب و گسترش توانایی‌های انسان، معیار موفقیت در فرایند توسعه انسانی است. این نما گویای از روند توسعه انسانی در جهان خواهد بود که جایگاه کشورها را نسبت به هم نشان می‌دهد. شاخص توسعه انسانی به عنوان محور اصلی گزارش‌های توسعه انسانی در واقع آخرین تلاش بین‌المللی برای یافتن یک واحد سنجش توسعه یافتگی کشورهاست که از سه معیار امید به زندگی، آموزش و تولید ناخالص داخلی سرانه تشکیل شده است (گزارش توسعه انسانی ۲۰۰۱-۱۹۹۱، برنامه عمران سازمان ملل متحد)

#### الف) امید به زندگی

امید به زندگی در آغاز تولد سطح سلامت و بهداشت افراد جامعه را نشان می‌دهد؛ زیرا گسترش استعدادها و نیز انتخاب‌های انسانی در گرو عمر طولانی همراه با سلامت آنان است. طول عمر بیشتر به عنوان معیار امید به زندگی علاوه بر اینکه نشان‌دهنده تغذیه مناسب‌تر و برخورداری از امکانات بهداشتی است، فرصت بیشتری را برای زندگی و انتخاب به انسان‌ها می‌دهد (همان).

#### ب) آموزش

اهمیت آموزش به عنوان شاخص مهم توسعه انسانی موجب شده است که با سواد بزرگسالان (با وزن  $\frac{2}{3}$ ) و نیز میزان ثبت نام در تمام دوره‌های مختلف تحصیلی (با وزن  $\frac{1}{3}$ ) مورد استفاده قرار گیرد. این شاخص، در مورد آموزش دو معیار نرخ با سواد بزرگسالان و نرخ ناخالص ثبت نام به صورت ترکیبی از نرخ ثبت نام در آموزش ابتدایی، متوسطه و تحصیلات عالی را در برمی‌گیرد (همان).

## ج) تولید ناخالص داخلی سرانه

تولید ناخالص داخلی سرانه شاخص دیگر سطح زندگی است که نمایانگر رفاه و سطح زندگی افراد جامعه، و روش محاسبه آن به این صورت است: (پرخیده، تحلیل شاخص توسعه انسانی در آخرین گزارش UNDP (۲۰۰۳) و جایگاه ایران)

$$GDP_X = \text{تولید ناخالص داخلی سرانه کشور مورد نظر}$$

$GDP_{MIN}$  = حداقل مقدار تولید ناخالص داخلی سرانه که برابر ۱۰۰ دلار برابری قدرت خرید (PPP) است.<sup>۱</sup>

$GDP_{MAX}$  = حداکثر مقدار تولید ناخالص داخلی سرانه که برابر ۴۰۰ دلار (PPP) است.

## ۲-۱- رفاه اجتماعی

رفاه اجتماعی<sup>۲</sup> از مفهوم Fare well گرفته شده که به معنی خوب بودن و خوب شدن و در معنی وسیع تر، حالتی از مناسب بودن است. با توجه به تعاریف متعددی که از رفاه اجتماعی شده است، تعاریف به اختصار مطرح می شود و پس از آن تعریف واحدی که جامعیت تعاریف دیگر را داشته باشد ارائه می گردد.

مجموعه متشکل از خدمات، مؤسسات و نهادها برای تأمین زندگی مطلوب و برخورداری از موهبت های طبیعی و منابع اجتماعی

نظامی از خدمات، مؤسسات و نهادها برای تأمین زندگی بهتر و روابط مناسب تر برای شکوفایی استعدادها و توانایی ها و ظرفیت ها.

تلاش برای تأمین تساوی فرصت های زیستی اجتماعی و اقتصادی بین همه افراد جامعه.

با توجه به تعاریف مختلف در زمینه رفاه اجتماعی و با در نظر گرفتن ابعاد گوناگون زندگی انسان می توان رفاه اجتماعی را چنین تعریف کرد:

<sup>1</sup> Purchasing Power Parity

<sup>2</sup>- Social Welfare

«رفاه اجتماعی، از مجموعه سازمان یافته‌ای از قوانین، مقررات و برنامه‌ها و سیاست‌هایی است که در قالب مؤسسات رفاهی و نهادهای اجتماعی به منظور پاسخگویی به نیازهای مادی و معنوی و تأمین سعادت انسان ارائه می‌شود تا زمینه رشد و تعالی او را فراهم آورد» (مجموعه مقالات سمینار جامعه‌شناسی و توسعه، ج دوم، ۱۳۷۳).

### ۱-۳- مفهوم عام و خاص رفاه اجتماعی

الف- مفهوم عام رفاه اجتماعی: از این مفهوم با عناوینی نظیر خدمات اجتماعی، حقوق عمومی، حقوق ملت و حقوق اساسی مردم یاد می‌شود که مراد از آن توجه به تمام افراد جامعه، صرف نظر از ویژگی‌های جسمانی و روانی اجتماعی-اقتصادی و فرهنگی آنها است. این بخش از برنامه‌های رفاه اجتماعی معمولاً تحت عنوان حقوق ملت در قوانین اساسی کشورهای مختلف جای می‌گیرد.

ب- مفهوم خاص رفاه اجتماعی: رفاه اجتماعی به مفهوم خاص آن شامل گروه‌های ویژه اجتماعی است. منظور از گروه‌های ویژه اجتماعی-اقتصادی و فرهنگی دارای وضعیت متفاوت از بقیه جامعه هستند که باید مورد توجه ویژه برنامه‌ریزان و کارگزاران رفاه اجتماعی قرار گیرند؛ مانند اطفال، سالمندان، معلولان جسمی و غیره (همان).

### ۱-۴- دولت رفاه

مفهوم «دولت رفاه» به معنای دولتی که نقش کلیدی در حمایت و پیشرفت اقتصادی و اجتماعی و تأمین رفاه شهروندان ایفا می‌کند در دوره معاصر، صورت عینی به خود گرفته است. استقرار دولت رفاه بر این اصول استوار است: ایجاد برابری فرصت، توزیع ثروت و مسئولیت عمومی دولت در برابر افرادی که نمی‌توانند شخصاً حداقل شرایط زندگی خوب را برای خویش مهیا کنند. ویژگی اساسی دولت رفاه، بیمه اجتماعی است که در کشورهای صنعتی پیشرفته، پیش از سایر کشورها مقرر شده است. دولت رفاه تحت تأثیر اندیشه‌های کینز برای ایجاد اشتغال در جامعه و حل بحران‌های اقتصادی و اجتماعی شکل گرفت و به شکوفایی رسید. ولی به علت افزایش هزینه‌های دولت و بروز مشکلات و بحران‌هایی مانند

بیکاری، رکود همراه با تورم در کشورهای با نظام سرمایه‌داری، دولت‌های رفاه با بحران روبه رو شدند به گونه‌ای که دیگر نمی‌توانستند بار سنگین ناشی از تأمین رفاه عمومی را تحمل کنند. بنابراین برای رفع این بحران‌ها مذکور، برنامه‌های اصلاحی در هر کشور ارائه و اجرا شده است. اما برخی از آثار منفی ناشی از دخالت دولت در اقتصاد، پس از اجرای برنامه‌های رفاهی گسترده، همچنان باقیمانده است.

دو نوع دولت رفاه وجود دارد: دولت رفاه باقیمانده و دولت رفاه فراگیر. دولت رفاه نوع اول در آخر وهله تأمین کننده است و هنگامی اقدام می‌کند که تأمین خصوصی به وسیله معاملات بازار و دیگر انتقالات خصوصی کافی نباشد. نوع دوم دولت رفاه، تأمین کننده ردیف اول است؛ همه مردم را در برابر هر احتمال ممکن «از گهواره تا گور» حمایت می‌کند. در حالی که ارزش محوری دولت رفاه باقیمانده، خوداتکایی است، ارزش محوری دولت رفاه فراگیر، شناسایی حق فرد به عنوان شهروند نسبت به رفاه تأمین شده از سوی دولت است. نوع قبلی با تأکید بر خود اتکایی، فرد را به تلاش فردی، ابتکار عمل، پذیرش خطر و مسئولیت ترغیب می‌کند. برعکس، نوع دوم با تأکید بر حقوق رفاهی، تلاش فردی، ابتکار عمل و پذیرش خطر و مسئولیت را تضعیف و به ایجاد فرهنگ وابستگی کمک می‌کند و افراد را از نظر اقتصادی به دولت وابسته می‌سازد.

دولت‌های رفاه از دو طریق مورد انتقاد قرار گرفته‌اند: شکست در رفع فقر و آثار اقتصادی و غیراقتصادی گوناگون آن مانند تضعیف اخلاق کار، توقف تولید ثروت، کشاندن مردم تحت تولید دولت و تشویق به از هم پاشیدن خانواده‌ها.

با گسترش زیاد دولت رفاه، مرحله‌ای می‌رسد که در آن، اقتصاد دیگر نمی‌تواند هزینه ایجاد شده از سوی دولت را تحمل کند. بنابراین، کاهش هزینه‌های رفاهی مطرح می‌شود که با اصلاحات جزئی دولت رفاه یا اصلاح عمیق آن صورت می‌گیرد. در اصلاح جزئی دولت رفاه، هزینه‌های رفاهی کاهش می‌یابد، ولی دولت رفاه حفظ می‌شود. اما در اصلاح عمیق دولت رفاه، تأمین خصوصی رفاه جای تأمین عمومی را می‌گیرد؛ دولت رفاه از بین می‌رود یا عملکرد رفاهی آن بسیار محدود می‌شود. (منتقمی، ۱۳۸۴)



۱-۵- انواع توابع رفاه اجتماعی<sup>۱</sup>

رفاه اجتماعی بر اساس تعاریف اقتصاددانان مختلف در قالب فرم‌های تابعی متعددی شکل گرفته است که به برخی از آنها اشاره می‌شود.

۱- تابع رفاه اجتماعی برگسون - ساموئلسون<sup>۲</sup>

تابع رفاه اجتماعی برگسون - ساموئلسون را می‌توان به صورت زیر نمایش داد که متغیرهای آن مطلوبیت‌ها نیست بلکه مصرف و فراغت است: (فراغت  $h_i$  و مصرف  $c_i$ )

$$W = W(c_1, \dots, c_k, h_1, \dots, h_k)$$

۲- تابع رفاه اجتماعی ارو<sup>۳</sup>

بیشتر اقتصاددانان رفاه برای استفاده از اندازه‌های عددی مطلوبیت به عنوان عنصر تاثیرگذار بر روی رفاه اجتماعی برای مقایسه رفاه بین افراد مختلف با احتیاط عمل کرده‌اند. بنابراین برخی از تلاش‌ها معطوف به این موضوع شد که رفاه را به عنوان تابعی از ترجیحات افراد ( $R$ ) قرار دهند. تابع با شکل کلی تری برای ترجیحات افراد به صورت زیر قابل ارائه خواهد بود:

$$R = f(R_1, R_2, \dots, R_n)$$

۳- تابع رفاه اجتماعی فردی<sup>۴</sup>

تابع رفاه اجتماعی به صورت جداگانه تابعی از مطلوبیت‌های افراد مختلف است. شکل تابع رفاه اجتماعی فردی به صورت زیر است:

$$W(z) = W[u_1(z), u_2(z), \dots, u_n(z)]$$

$$W_i = \frac{\delta W}{\delta u_i} > 0$$

<sup>۱</sup>-Mirhady, Farhad (1978).

<sup>۲</sup>-Bergson - Samuelson Social welfare Function

<sup>۳</sup>-Arrow Social Welfare Function

<sup>۴</sup>-Individualistic Social Welfare Function

۴- تابع رفاه اجتماعی هرسانی<sup>۱</sup>

طبق این تابع باید یک تابع رفاه اجتماعی باشد که فقط تابع مطلوبیت یک فرد نباشد، بلکه تابعی از مطلوبیت‌های افراد جامعه باشد. بنابر این تعریف، تابع رفاه اجتماعی با مجموع وزنی مطلوبیت‌های افراد برابر است:

$$W = \sum_{i=1}^n \alpha_i \cdot u_i \quad \alpha_i > 0$$

۵- تابع رفاه اجتماعی اتکینسون<sup>۲</sup>

پنجمین نوع از تابع رفاه اجتماعی، تابع رفاه اجتماعی اتکینسون است. در این تابع، رفاه اجتماعی با درآمدهای اشخاص مرتبط است؛ یعنی رفاه اجتماعی تابعی فزاینده از درآمد اشخاص است که با افزایش درآمد رفاه افزایش پیدا می‌کند و شکل آن به این صورت است (که در آن X نشان دهنده درآمد افراد می‌باشد):

$$W = f(x_1, x_2, \dots, x_n) \quad f' > 0$$

۶- تابع رفاه اجتماعی مطلوبیت گرا<sup>۳</sup>

در این نمونه از تابع رفاه اجتماعی، تابع رفاه اجتماعی برابر با مجموع مطلوبیت‌های افراد جامعه است.

$$W = \sum_{i=1}^n U_i$$

۷- تابع رفاه اجتماعی رالس<sup>۴</sup>

در تابع رفاه اجتماعی راولس همانند برخی دیگر از توابع رفاه اجتماعی، رفاه تابعی از مطلوبیت‌های افراد است با این تفاوت که در این تابع، حداقل مطلوبیت یک فرد در نظر گرفته می‌شود که فرم ریاضی آن به این صورت است:

$$W = W(U_1, U_2, \dots, U_n) = \min\{U_1, U_2, \dots, U_n\}$$

<sup>1</sup>- Harsanyi Social Welfare Function

<sup>2</sup>- Atkinson Social Welfare Function

<sup>3</sup> Utilitarian Social Welfare Function

<sup>4</sup>-Rawlsian Social Welfare Function

۸- تابع رفاه اجتماعی سن<sup>۱</sup>

این تابع متعلق به اقتصاددان هندی آمارتیا سن است. سن و گوپتا<sup>۲</sup> و استارت<sup>۳</sup> تابع رفاه اجتماعی را به صورت تابعی از مطلوبیت‌های افراد در نظر می‌گیرند که آن هم ناشی از موقعیت‌های اجتماعی شخصی است در نظر می‌گیرند. شکل عمومی تابع رفاه اجتماعی سن به این صورت است: ( $\mu$  میانگین درآمد و  $G$  نیز ضریب جینی):

$$W(X) = \mu(1 - G)$$

## ۲- پیشینه تحقیق

محمد هاشم پسران در مقاله‌ای تحت عنوان «رفاه اجتماعی و برنامه ریزی» به بررسی جنبه‌های رفاهی برنامه ریزی اقتصادی در ایران پرداخته است. وی ابتدا روند توزیع درآمد، تمرکز سرمایه‌گذاری‌ها در فعالیت‌های مختلف اقتصادی، نابرابری آهنگ توسعه و رشد بخش‌های مختلف اقتصادی و سپس توسعه کمی و کیفی خدمات رفاهی در سطح‌های مختلف مانند آموزش و پرورش، بهداشت و درمان، بیمه و تأمین اجتماعی و هم‌چنین وضع سکونت جمعیت و میزان استفاده از کالاهای مصرفی بادوام ملی سال‌های مورد نظر را مورد بررسی قرار داده است. برخی از نتایج این تحقیق عبارت است از:

- ۱- اقتصاد ایران در سال‌های ۱۳۵۲ تا ۱۳۵۵ از رشد کم نظیری برخوردار بوده است.
- ۲- توسعه اقتصادی و اجتماعی مناطق مختلف کشور نامتناسب بوده است.
- ۳- شکاف بین جامعه شهری و روستایی در زمینه‌های اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی بیشتر شده است (پسران، ۱۳۵۵).

فرهاد نیلی در مقاله‌ای تحت عنوان «بررسی تحولات فقر، توزیع درآمد و رفاه اجتماعی طی سال‌های گذشته» به بررسی وضعیت این شاخص‌ها پرداخت. وی از اطلاعات و آمار

<sup>1</sup> Sen Social Welfare Function

<sup>2</sup> Gupta

<sup>3</sup>-Starett

هزینه و درآمد خانوار و خصوصیات اجتماعی و اقتصادی خانوار، که برای سال‌های بعد از ۱۳۶۸ تهیه شده، بهره برده و به بررسی روند تحولات اشاره شده پرداخته است.

وی رفاه اجتماعی را برحسب میزان برخورداری از امکانات زندگی تعریف می‌کند و ارزیابی سطح رفاه خانوارها را از سه بعد امکان‌پذیر دانسته است:

الف- میزان برخورداری از امکانات و تسهیلات قابل تملک زندگی که در اندازه‌های ریالی هزینه خانوار انعکاس می‌یابد.

ب- میزان بهره‌مندی از امکانات عمومی زندگی از قبیل آب لوله کشی، برق، گاز لوله کشی، تلفن و دارایی‌های خانوار از قبیل مسکن و کالاهای بادوام که لزوماً در هزینه‌های ریالی سرانه ظاهر نمی‌شود.

ج- میزان برخورداری از امکاناتی مانند، پشتیبانی حقوقی و قضایی، امنیت، امکان ارضای نیازهای فرهنگی و برخورداری از منزلت اجتماعی و همچنین آن دسته از عوامل و ویژگی‌های اجتماعی خانوار، که همبستگی با رفاه دارد که عبارت است از: وضعیت جمعیتی خانوار، وضعیت اشتغال خانوار، وضعیت سرمایه انسانی خانوار، وضعیت محل سکونت خانوار (نیلی، ۱۳۷۴).

زهره توکلی تحقیقی با عنوان «بررسی نقش دولت در رفاه اجتماعی با توجه به تغییر در ترکیب مخارج دولت» انجام داده است. این تحقیق برای سال‌های (۷۹-۱۳۳۸) در کشور ایران به بررسی نقش دولت در رفاه اجتماعی در جامعه می‌پردازد و آن را از طریق تغییر در ترکیب هزینه‌های دولت مورد ارزیابی قرار می‌دهد. مدل مورد استفاده در این تحقیق راتی رام است. نتایج حاکی از این است که افزایش هزینه‌های آموزش و پژوهش به افزایش توسعه اقتصادی منجر می‌شود و هزینه‌های بهداشتی، اولویت دوم را در افزایش رشد اقتصادی دارد و از آن‌جا که رشد درآمد سرانه در حدی نبوده است که تأثیر قابل توجهی بر روند رشد رفاه اجتماعی داشته باشد، تنها با توجه به تولید و صادرات کالا و خدمات، امکان افزایش واقعی درآمد سرانه وجود دارد و در آن صورت رفاه واقعی در جامعه تحقق خواهد یافت (توکلی، ۱۳۸۳).

هشام عبدالرحمن و پینگ ونگ<sup>۱</sup> در مقاله‌ای تحت عنوان «رفاه اجتماعی و نابرابری درآمدی در یک سیستم شهری» به ارائه یک مدل تعادل عمومی پرداختند که در قسمت‌هایی از مدل، تأثیرات نابرابری و رفاه بر یکدیگر و یا عوامل مشترک بر هر دو این شاخص بررسی شده است. این تحقیق نشان داد که رفاه اجتماعی با تمام عوامل هزینه‌ای و رابطه‌ای مثبت با حداکثر بهره‌وری کارگران ماهر رابطه‌ای منفی دارد و هیچ رابطه‌ای با بهره‌وری کارگران غیرماهر ندارد. این نتایج ممکن است که به سیاست‌های عمومی جهت افزایش رفاه کمک کند؛ مثلاً به کارگیری سیاست‌های تشویق مهاجرت که به مهاجرت نیروی کار غیرماهر منجر شود، می‌تواند باعث افزایش رفاه اجتماعی شود (Abdel-Rahman , Hesham And Ping Wang, 1997).

گومن، مورسی، موسلی و رسچور<sup>۲</sup> در سال ۲۰۰۴ مطالعه‌ای با عنوان کمک، هزینه‌های دولت و رفاه کل انجام داده‌اند. در این مطالعه سعی شده است که از طریق مدل‌های اقتصاد سنجی، تأثیرات ترکیب مخارج دولت بر رفاه انسانی در بین ۱۰۴ کشور بررسی شود. برای این مهم ۱۰۴ کشور دنیا طی دوره ۲۰۰۰-۱۹۸۰ انتخاب گردید که به دو گروه کشورهای با درآمد کم متوسط تقسیم شدند.

بر اساس نتایج این مطالعه، مخارج دولت باعث افزایش رفاه انسانی در این کشورها شده است. و این مهم در کشورهای با درآمد کمتر دارای اثر بخشی بیشتری نسبت به کشورهای با درآمد بیشتر است (Gomanee.K, Girma.S And Morrissey.O,2003).

کنت مانتون<sup>۳</sup> و همکاران در مقاله‌ای تحت عنوان «اندازه‌گیری و ارزیابی وضعیت رفاهی افراد سالخورده»، وضعیت  $I$  فرد به وسیله  $J$  متغیر در  $L$  گروه که طبقه‌بندی شده، بررسی کرده‌اند در الگوی به کار رفته رفاه بهداشتی افراد بالای ۶۵ سال در نظر گرفته می‌شود. نتایج این مدل حاکی است که با افزایش سن افراد، شرط لازم برای افزایش

<sup>۱</sup> - Hesham Abdel-Rahman and Ping wang

<sup>۲</sup> - Gomanee , Morrissey, Mosley& Verschoor

<sup>۳</sup> - Kenneth G.Manton

رفاه آنها افزایش بهداشت است و در صورتی که با افزایش سن، رفاه کاهش می‌یابد (Manton, Woodbury, And Stallard, 1991).

### ۳- شناسایی متغیرها و ارائه الگو

در این مطالعه برای برآورد الگو از مدل گومن (۲۰۰۴) استفاده می‌شود. در مدل گومن برای اندازه‌گیری رفاه اجتماعی از دو شاخص توسعه انسانی و میزان مرگ و میر نوزادان به عنوان نماینده رفاه اجتماعی و متغیرهای تابع استفاده شده است. همچنین متغیرهای درآمد سرانه، هزینه‌های عمومی موزون دولت و نسبت هزینه‌های نظامی به تولید ناخالص داخلی، متغیرهای مستقل مدل گومن است. مخارج موزون دولت نیز شامل هزینه‌های بهداشتی، آموزش و بهداشتی است که وزن‌های (کشش‌ها) هر کدام از آنها از طریق فرمول‌های ارائه شده به دست می‌آید. باید توجه شود که در این مطالعه درآمدهای نفتی با یک دوره وقفه به متغیرهای مستقل اضافه شده است و فقط از شاخص توسعه انسانی به عنوان نماینده رفاه اجتماعی استفاده می‌شود.

برای برآورد الگوی مورد مطالعه چند گام برداشته می‌شود:

گام اول: برآورد متغیر هزینه‌های موزون دولت

$$\text{LOG}(\text{HDI}) = \alpha_1 \text{LOG}(\text{GDPO}) + \alpha_2 \text{LOG}\left(\frac{\text{PES}}{\text{GDP}}\right) + U_i$$

*HDI*: شاخص توسعه انسانی که از گزارش‌های سازمان ملل متحد به دست می‌آید.

*GDPO*: درآمد سرانه

*PES*: هزینه‌های دولت بر خدمات بهداشتی که به عنوان سهمی از *GDP* است و

شامل مخارج زیر است:

- ۱- هزینه‌های جاری و عمرانی تأمین مسکن
- ۲- هزینه‌های جاری و عمرانی تأمین اجتماعی و بهداشتی
- ۳- هزینه‌های جاری و عمرانی عمران شهرها
- ۴- هزینه‌های جاری و عمرانی، عمران و نوسازی روستاها

۵- هزینه‌های جاری و عمرانی، عمران و حفاظت محیط زیست

$GDP$ : تولید ناخالص داخلی

$$LOG(HDI) = \alpha_1 LOG(GDPO) + \alpha_2 LOG\left(\frac{PEE}{GDP}\right) + U_i$$

$PEE$ : هزینه‌های دولت بر آموزش که شامل مخارج زیر است:

۱- هزینه‌های جاری و عمرانی آموزش و پرورش

۲- هزینه‌های جاری و عمرانی آموزش فنی و حرفه‌ای

۳- هزینه‌های جاری و عمرانی آموزش عالی و تحقیقات

۴- هزینه‌های جاری و عمرانی فرهنگ و هنر

$$LOG(HDI) = \alpha_1 LOG(GDPO) + \alpha_2 LOG\left(\frac{PEH}{GDP}\right) + U_i$$

$PEH$ : هزینه‌های دولت بر بهداشت که شامل مخارج زیر است:

۱- هزینه‌های جاری و عمرانی بهداشت، درمان و تغذیه

۲- هزینه‌های جاری و عمرانی تربیت بدنی و امور جوانان

باید توجه شود که همه متغیرها به صورت لگاریتم است.

گام دوم: بعد از تخمین سه معادله بالا از طریق فرمول‌های زیر وزن ( $\beta$ ) هر کدام از

هزینه‌های یاد شده در هزینه‌های عمومی دولت، که بیانگر کشش است را به دست می‌آید.

$$\beta_S = \frac{PES/GDP}{* PES/GDP}$$

$$\beta_E = \frac{PEE/GDP}{* PEE/GDP}$$

$$\beta_H = \frac{* PEH/GDP}{* PEH/GDP}$$

بعد از محاسبه هر سه  $\beta$  با میانگین گیری از هزینه‌های بهزیستی، آموزش و بهداشتی به ترتیب با وزن‌های محاسبه شده در بالا به ترتیب متغیر موزون شده  $PPE$  هزینه‌های عمومی وزن دار دولت به دست می‌آید.

$$PPE = \beta_S PES + \beta_E PEE + \beta_H PEH$$

در گام سوم الگوی زیر برای بررسی ارتباط بین ترکیب بودجه دولت و رفاه برآورد می‌گردد:

$$\text{LOG}(HDI) = \alpha_0 + \alpha_1 \text{LOG}(RGDPO) + \alpha_2 \text{LOG}(RPPE) + \alpha_3 \text{LOG}(ROIL(-1)) + \alpha_4 \text{LOG}(RNGM) + U_i$$

که در این رابطه:

$\text{LOG}(HDI)$ : لگاریتم شاخص توسعه انسانی به عنوان نماینده رفاه اجتماعی

$\text{LOG}(RGDPO)$ : لگاریتم نرخ رشد درآمد سرانه

$\text{LOG}(RPPE)$ : لگاریتم نرخ رشد مخارج عمومی موزون دولت

$\text{LOG}(ROIL(-1))$ : لگاریتم نرخ رشد درآمد نفتی با یک دوره وقفه

$\text{LOG}(RNGM)$ : لگاریتم نرخ رشد نسبت هزینه‌های نظامی به  $GDP$  است (به

عنوان شاخص جایگزین شاخص امنیت)

(تمام اندازه‌های استفاده شده به قیمت ثابت سال ۱۳۶۹، است).

#### ۴- تصریح مدل

گام اول: برآورد متغیر هزینه‌های موزون دولت

معادله اول:

$$\text{LOG}(HDI) = 0.018 \text{LOG}(GDPO) + 0.170 \text{LOG}\left(\frac{PES}{GDP}\right) + 0.538 \text{AR}(1)$$

$$t: \quad (2.01) \quad (2.34) \quad (2.94)$$

$$R^2 = 0.62 \quad \bar{R}^2 = 0.58 \quad D.W = 1.43 \quad F - \text{statistic} = 15.59$$

(منبع: محاسبات محقق)



معادله دوم:

$$LOG(HDI) = 0.053LOG(GDPO) + 0.366LOG\left(\frac{PEE}{GDP}\right) + 0.362AR(1)$$

$$t: \quad (2.63) \quad (3.91) \quad (1.90)$$

$$R^2 = 0.62 \quad \bar{R}^2 = 0.58 \quad D.W = 1.34 \quad F - statistic = 15.72$$

(منبع: محاسبات محقق)

معادله سوم:

$$LOG(HDI) = 0.077LOG(GDPO) + 0.347LOG\left(\frac{PEH}{GDP}\right) + 0.914MA(1)$$

$$t: \quad (3.21) \quad (4.36) \quad (10.45)$$

$$R^2 = 0.73 \quad \bar{R}^2 = 0.70 \quad D.W = 1.66 \quad F - statistic = 27.64$$

(منبع: محاسبات محقق)

**گام دوم:** بعد از تخمین این سه معادله، وزن‌های ( $\beta$ ) هر کدام از این هزینه‌ها که بیانگر کشش است، در مخارج دولت به دست می‌آید که به ترتیب به این شرح است:

$$\begin{cases} \beta_S = 0.149 \\ \beta_E = 0.418 \\ \beta_H = 0.369 \end{cases}$$

که به ترتیب عبارت است از:

۱- وزن هزینه‌های دولت بر خدمات بهزیستی

۲- وزن هزینه‌های دولت بر آموزش

۳- وزن هزینه‌های دولت بر بهداشت

بر اساس نتایج، هزینه‌های آموزشی در مخارج دولت، بیشترین وزن را دارد و هزینه‌های

بهداشت و بهزیستی به ترتیب، اولویت‌های بعدی را دارد..

## گام سوم: مدل نهایی و تحلیل نتایج آن

مدل نهایی تخمین تابع رفاه اجتماعی به صورت رابطه زیر قابل بررسی است:

$$LOG(HDI) = -0.317 + 0.084LOG(RGDPO) + 0.072LOG(RPEE)$$

$$t: \quad (-3.23) \quad (3.13) \quad (2.69)$$

$$+ 0.023LOG(ROIL(-1)) + 0.0005LOG(RNGM)$$

$$t: \quad (2.28) \quad (0.062)$$

$$R^2 = 0.99 \quad \bar{R}^2 = 0.99 \quad D.W = 1.66 \quad F - statistic = 444.52$$

(منبع: محاسبات محقق)

طبق رابطه نهایی تمام متغیرهای مستقل در الگو با متغیر تابع یعنی شاخص توسعه انسانی ( $HDI$ ) دارای ارتباط مثبت است، ولی اندازه تأثیر گذاری هر یک از آنها متفاوت است.

طبق بررسی انجام شده به ازای ده درصد افزایش در نرخ رشد درآمد سرانه ( $RGDPO$ )، مقدار شاخص توسعه انسانی ( $HDI$ ) به عنوان نماینده رفاه اجتماعی  $0/84$  درصد افزایش پیدا می کند.

بنابراین افزایش درآمد سرانه، باعث افزایش شاخص توسعه انسانی می شود.

ضریب متغیر  $RPPE$ ،  $0/072$  است؛ یعنی به ازای ده درصد افزایش نرخ رشد هزینه های موزون دولت، رفاه اجتماعی به میزان  $0/72$  درصد افزایش پیدا می کند؛ یعنی مخارج دولت برای رفاه اجتماعی باعث افزایش شاخص توسعه انسانی می گردد.

ضریب متغیر  $RNGM$ ،  $0/0005$  است؛ یعنی به ازای ده درصد افزایش نرخ رشد نسبت هزینه های نظامی دولت به تولید ناخالص داخلی، رفاه اجتماعی به میزان  $0/0005$  واحد افزایش پیدا می کند. از طرفی چون آماره  $t$  این متغیر به طور تقریبی از ۲ کوچکتر است، هزینه های نظامی دولت باعث افزایش شاخص توسعه انسانی و رفاه در ایران نشده است.

ضریب متغیر  $ROIL(-1)$ ،  $0/023$  است؛ یعنی به ازای ده درصد افزایش نرخ رشد درآمدهای نفتی دولت، رفاه اجتماعی به میزان  $0/23$  درصد افزایش پیدا می کند.

ضریب تشخیص در این الگو ۰/۹۹ است که بسیار قابل قبول، و بیانگر این مطلب است که متغیرهای مستقل توانسته است ۹۹ درصد از تغییرات متغیر وابسته، یعنی شاخص توسعه انسانی به عنوان نماینده رفاه اجتماعی را توضیح دهد. ضمناً تمامی متغیرها به جز نسبت هزینه‌های نظامی دولت به تولید ناخالص داخلی، با ضریب اطمینان تقریباً ۹۵ معنی‌دار است.

##### ۵- نتیجه‌گیری و پیشنهادها

نتایج این تحقیق بیانگر این موضوع است که ترکیب بودجه دولتی بر رفاه اجتماعی در ایران تأثیرات بسیار مهمی دارد. بنابراین دولت ایران می‌تواند بدون اینکه مقدار کل هزینه‌هایش را تغییر دهد (بدون بزرگتر کردن دولت در اقتصاد)، تنها از طریق بهبود تخصیص بودجه در فصول مختلف نقش مثبت خود را بر رفاه اجتماعی افزایش دهد. طبق نتایج به دست آمده هزینه‌های آموزشی مخارج دولت، بیشترین وزن را دارد و هزینه‌های بهداشت و بهزیستی به ترتیب، اولویت‌های بعدی را دارد. هزینه‌های دولت برای رفاه اجتماعی باعث افزایش شاخص توسعه انسانی می‌شود. با توجه به این نتایج، پیشنهاد می‌شود:

۱) به سیاستگذاران کشور پیشنهاد می‌شود با توجه به نقش تأثیرگذار هزینه‌های دولت با افزایش مخارج دولت در آموزش ضمن افزایش سرمایه انسانی باعث افزایش رفاه جامعه نیز گردند.

۲) گسترش امکانات بهداشتی به‌ویژه در مناطق محروم به منظور برخورداری از حداقل امکانات معیشت زندگی و ارتقای سطح بهداشت جامعه برای برخورداری از امید به زندگی بهتر.

۳) منظور کردن منافع نسل‌های آینده در تصمیم‌گیری اقتصادی و اجتماعی در حال حاضر.

۴) گسترش برنامه‌های حمایت‌های اجتماعی (تأمین اجتماعی، بیمه بیکاری، برابری فرصت‌های شغلی برای مردان و زنان) و استفاده از تجربیات کشورهای موفق و پیشرو در

زمینه توسعه عدالت اجتماعی و نظام تأمین اجتماعی کارآ و همکاری با دیگر کشورها در دستیابی به توسعه پایدار در سطح بین الملل.

## منابع و مأخذ

### منابع فارسی

- آیت الهی، علیرضا (۱۳۷۴). اصول برنامه ریزی، انتشارات: مرکز آموزش مدیریت دولتی.
- بشیریه، حسین (۱۳۸۱). آموزش دانش سیاسی (مبانی علم سیاست نظری)، انتشارات: نشر نگاه معاصر.
- برنامه چهارم عمرانی کشور (۱۳۴۷). فصل ۲۱، رفاه اجتماعی.
- پرخیده، احمد؛ تحلیل شاخص توسعه انسانی در آخرین گزارش UNDP (۲۰۰۳) و جایگاه ایران.
- پسران، محمد هاشم (۱۳۵۵). رفاه اجتماعی و برنامه ریزی، مجموعه مقالات سمینار رفاه اجتماعی در ایران.
- توکلی، زهره (۱۳۸۳). «بررسی نقش دولت در رفاه اجتماعی با توجه به تغییر در ترکیب مخارج دولت» پایان نامه کارشناسی ارشد علوم اقتصادی - دانشگاه آزاد اسلامی واحد خوراسگان.
- دادگر کرمانجی، یدا... (۱۳۷۸). مالیه عمومی و اقتصاد دولت، مؤسسه فرهنگی هنری انتشارات: بشیر علم و ادب.
- زاهدی اصل، محمد (۱۳۸۱). مبانی رفاه اجتماعی. دانشگاه علامه طباطبایی چاپ اول تهران.
- سازمان برنامه و بودجه (۱۳۵۲). «مجموعه مقالات سمینار رفاه اجتماعی».
- سمت (۱۳۷۳). مجموعه مقالات سمینار جامعه شناسی و توسعه، جلد دوم.
- طاهری، ابوالقاسم (۱۳۷۹). تاریخ اندیشه های سیاسی در غرب، نشر قومس.
- فرج وند، اسفندیار (۱۳۸۴). فراگرد تنظیم تا کنترل بودجه چاپ چهاردهم. انتشارات: فروزش، تبریز.
- گزارش توسعه انسانی ۲۰۰۱ - ۱۹۹۱، برنامه عمران سازمان ملل متحد.
- منتقمی، فروغ (۱۳۸۴). آشنایی با دولت های رفاه، مجله بررسی های بازرگانی. شماره ۱۲، خرداد و تیر.
- میرزائی اهرنجانی، حسن (۱۳۷۷). اصول تنظیم و روش های کنترل بودجه، انتشارات دانشکده علوم اداری و مدیریت بازرگانی دانشگاه تهران.
- نیلی، فرهاد (۱۳۷۴). «رشد اقتصادی، توزیع درآمد و رفاه اجتماعی در سال های ۱۳۷۲ - ۱۳۶۱» مجله برنامه و بودجه، شماره اول.

### منابع انگلیسی

- Abdel-Rahman, Hesham And Ping Wang, (1997). Social Welfare And Income Inequality In A System Of Cities. Journal of Urban Economics, Vol. 41, 462 - 483.

- Gomanee, K, Girma, S And Morrissey.O(2003) Aid, Public Spending And Human Welfare: Evidence From Quantile Regressions Centre For Research In Economic Development And International Trade, University Of Nottingham
- Manton, Kenneth G. And Woodbury, Max. A. And Stallard, Eric (1991) .Statistical And Measurement Issues In Assessing The Welfare Status Of Aged Individuals And Population. Journal of Econometrics.
- Mirhady, Farhad (1978). Welfare Economics, A Theoretical Model Of Optimal Income Distributin. Theses, Oxford University.